

An Analysis of the Influence of the Jewish Discourse on the Scientific References of Islamology Case Study: Encyclopedia of Islam published by Leiden, The Netherlands

By: Davoud Ranjbaran¹

Abstract

Muslims and the Jews have had tense relations at various historical times, in which Jews experienced failure in direct confrontation; It forced the Jews to change their approach to Islam. The newly converts from Jews to Islam with a seemingly scientific approach to the interpretation of the Qur'an and the influence among the Muslims introduced nonsensical issues to Islam. In response, the conscious Muslims blocked their way of influence with Enlightenment. But the controversy was still there, with the widespread presence and investment of Jews in Islamic studies in contemporary times. It raised the question of whether methods of influencing authoritative scientific sources and references, including publishing the Leiden EI2 Encyclopedia of Islam, were aimed by Jews at peculiar purposes? This research uses the sources and library studies and the method of discourse analysis to study the text of the articles of the Encyclopedia of Islam and is bound to answer the above question. The findings of the study indicated that the articles in the Encyclopedia of Islam, in favor of the Jews, present distorted, opportunistic, and falsified figures of the Prophet of Islam. This form of describing and introducing Islam pursues a major goal, which is to maintain the dominance of Jewish teachings over Islamic studies. As a result, the encyclopedia reader is convinced that the teachings of the Torah and the Bible are superior to the teachings of Islamic sources. In other words, other Islamic sources have nothing to say without adapting to other religions. The Jewish discourse has produced numerous works and texts in this field, and in recent centuries, using new methodologies and theories that have been proposed in the field of modern sciences, it has launched new attacks on Islam. Through the study of this new literature, an attempt was made to briefly review the strategic, methodological and

1. Associate Professor,
Department of Comparative
and Analytical History of
Islamic Art, University of Art



content developments in this field. The main elements and axes of this biased discourse are as follows:

Islam has adapted its teachings from other religions, especially Judaism. A Jewish Orientalist has used its efforts to prove that Islam is not authentic and that what exists in Islam is borrowed from the religions and cultures of other societies. This group of orientalists, by researching the main and basic texts of Islam such as the Qur'an and the hadiths of the Prophet [PBUH], try to dispel the suspicion that the Qur'an is taken from the Bible and especially the Torah and the hadiths of the Prophet [PBUH] inspired by the teachings of Greek and Roman sages and are forged, and the books of the Muslims report these forged hadiths or narrations.

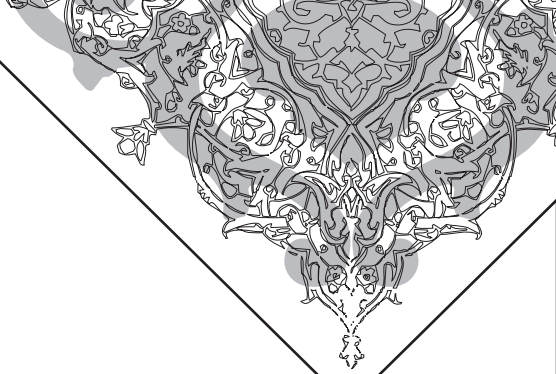
The basis of the Orientalist argument, after denying the validity of the sources, is to prove the suspicion of adaptation; Because after the suspicion of adaptation, all other doubts open their way. The purpose of the dubious adaptation by those who intend to strike at Islam is to prove the Jewish origin of Islam, and this is something that Jewish orientalists, along with some Western orientalists, claim. This group of Orientalists seeks to tarnish the image of Islam by considering the Jewish origin of Islam and claiming the general influence of Judaism on Muslim beliefs and worships, and ultimately to introduce Islam as a sect of Judaism or a religion independent of Judaism but of Jewish origin.

Jewish discourse focuses more on the Shari'a issues and rules of Islam than on ethics and mysticism. The approach of the Jewish discourse is selective and does not address all aspects of Islam. In other words, the tendency of this discourse is to deal only with dimensions on which it can impose its own method of interpretation. Since Judaism is also a Shari'a-based religion, the Jewish discourse examines Islam with the focus on Shari'a and its rulings, and is oblivious to other aspects such as morality and mysticism.

The Jewish discourse seeks to discredit Islamic sources. The Jewish discourse does not consider Islam to be an original religion and the basis for its formation is the adaptation of the teachings of other religions, especially Judaism. Therefore, he believes that the study of history shows that Islamic sources are not valid in themselves and by referring to them alone, the truth about them cannot be obtained and one should refer to the main texts, i.e. the texts related to Jewish law.

Keywords: Encyclopedia of Islam, Jewish discourse, Prophet of Islam (PBUH), Adaptation, Scientific references





واکاوی نفوذ گفتمان یهودی در مراجع علمی اسلام‌شناسی؛ مطالعه موردی دایرةالمعارف اسلام چاپ لیدن هلند

■ داود رنجبران^۱

چکیده

مسلمانان و یهودیان در بازه‌های تاریخی گوناگون، روابط پُرتنش با یکدیگر داشته‌اند. تجربه شکست در رویارویی مستقیم، یهودیان را به تغییر روش در تقابل با اسلام واداشت. یهودیان تازه‌مسلمان با رویکرد به ظاهر علمی، به تفسیر قرآن پرداختند و از طریق طرح اسرائیلیات، در مسلمانان نفوذ کردند. مسلمانان آگاه نیز در برابر آنان به روشن‌گری می‌پرداختند و راه نفوذشان را می‌بستند، اما این منازعه همواره پایدار بود. سرمایه‌گذاری‌های گسترده یهودیان در مطالعات اسلامی در دوره‌های معاصر، این پرسش را پدید آورده است که آیا یهودیان اکنون نیز از طریق منابع و مراجع معتبر علمی همچون *دایرةالمعارف/اسلام* (EI2) چاپ لیدن هلند، به نفوذ در اسلام و مسلمانی می‌پردازند؟

این تحقیق با استفاده از ابزارهای کتابخانه‌ای و منابع تاریخی و روش تحلیل گفتمان، به بررسی متن مقالات *دایرةالمعارف/اسلام* پرداخته و به این پرسش پاسخ گفته است. بر پایه یافته‌های تحقیق، اندیشه یهودی در ساختار و محتوای مقالات این اثر درباره «سیره نبوی»، «قرآن»، «خانواده پیامبر»، «اصحاب رسول خدا» (ص)، «معراج» و «احکام اسلامی (مانند حج، نماز، اذان، روزه، دیات و جهاد)» مؤثر بوده است؛ یعنی نویسندگان *دایرةالمعارف* بر بسیاری از واقعیت‌های تاریخی چشم بسته و بر عناصر گفتمان یهودی همچون انکار نزول وحی بر پیامبر اسلام، بی‌اعتبار دانستن منابع تاریخ اسلام، اقتباس اسلام از یهودیت، اسطوره‌پردازی مسلمانان در شناساندن شخصیت پیامبر (ص) تأکید کرده و به برجسته کردن تأثیر یهودیان در گسترش اسلام پرداخته‌اند.

کلیدواژگان

دائرة المعارف اسلام، گفتمان یهودی، پیامبر اسلام، اقتباس، مراجع علمی، اسرائیلیات

۱. دانشیار گروه تاریخ تطبیقی و
تحلیلی هنر اسلامی دانشگاه هنر
ranjbaran@art.ac.ir



مرجع علمی معتبر *دایرةالمعارف/اسلام* (EI2) چاپ لیدن هلند^۱ در شناساندن اسلام به پیروان دیگر ادیان و مذاهب و حتی خود مسلمانان تأثیرگذار است و بستری برای آشنایی و گفت‌وگوی دوستانه مذاهب اسلامی سرزمین‌های گوناگون فراهم می‌آورد؛ چنان‌که هر یک از این فرقه اسلامی می‌توانند از عقاید دیگر گروه‌های مسلمان کمابیش اطلاعات ناسوگیرانه‌ای به دست بیاورند. از این‌رو، برخی از کشورهای مسلمان‌نشین در نخستین مواجهه با این اثر به ترجمه‌اش همت گماشتند، اما پس از آگاهی از کمبودها و آسیب‌های آن، تصمیم گرفتند به ترجمه مقاله‌هایش و استفاده از عنوان مدخل‌ها و تألیف مقالاتی بر پایه الگوهای آن بپردازند.

پیش‌گامان این سیاست نخست مصریان؛ سپس ترکان، پاکستانیان و سرانجام ایرانیان بودند، اما آرام آرام برخی از مسلمانان بدبین به مطالعات شرق‌شناسی، بر انگیزه‌های استعماری پدیدآورندگان این کتاب و طراحی ناقدانه‌اش ناظر به آموزه‌های اسلامی تأکید کردند؛ چنان‌که ادبیات روی‌کردهای منفی؛ سپس انتقادی در این باره، بسی فربه شد. پیروان روی‌کرد منفی به وضع جوامع مسلمان در آغاز سده چهاردهم هجری (بیستم میلادی) و نیاز دولت‌های استعمارگری چون فرانسه، هلند و بریتانیا به شناخت نظام‌مند و دانشنامه‌ای درباره فرهنگ و تمدن مسلمانان (ساکنان مستعمرات خود)، استناد می‌کنند؛ زیرا اثری که در پاسخ به نیازهای این دولت‌ها تولید شده است، نزد مسلمانان موجه نمی‌نماید (دانشنامه‌ایران و اسلام، ۱۳۵۴: ۱: ۲۱).

دلیل دیگر مواجهه منفی مسلمانان با *دایرةالمعارف/اسلام* از روش اصحاب این اثر در مطالعه اسلام سرچشمه می‌گیرد. از دید مسلمانان، روش نامسلمانان در مطالعه اسلام از دید نظری، باورهای رایج مؤمنان درباره دینشان سازگار نیست. مطالعات اسلامی تا سده نوزدهم میلادی (سیزدهم هجری)، کم‌تر دانش‌گاهی بود؛ یعنی بیش‌تر کشیشان مسیحی که اسلام را بزرگ‌ترین رقیب دین خود می‌شمردند، آن را پی‌گیری می‌کردند و می‌خواستند با تعیین جایگاه روی‌دادهای تاریخ اسلام در تاریخ تمدن بشری و نقد متون و با تحلیل‌های تاریخی، وام‌گیری‌های فرهنگ و تمدن اسلامی را از دیگر ادیان و تمدن‌های هم‌سایه‌شان اثبات و آموزه‌های اسلامی را تخفیف کنند. بنابراین، نظریه‌های آنان از دید مسلمانان گاهی ناپذیرفتنی، گاهی غرض‌ورزانه و گاهی دست‌مایه نویسندگان یهودی به شمار می‌رفت (اسعدی، ۱۵۶: ۱۵۹-۱۶۰؛ ابراهیم عوض، ۱۹۹۸: ۸-۹؛ جان احمدی، ۱۳۸۸: ۱۷۴: ۱۸۱: ۲۴۴). به تعبیر دیگر، یهودیانی که در آغاز پیدایی اسلام و پس از بعثت پیامبر اسلام با روی‌کردی خصمانه به آن می‌نگریستند، اکنون به تدوین و تنظیم مقالات متناسب با روی‌کردهای سیاسی و نظامی اسلام‌ستیزانه می‌پرداختند.

باری، اندیشه‌های یهودی در تدوین مقالات *دایرةالمعارف/اسلام* چه میزان تأثیر گذارده و چگونه این گفتمان میان نویسندگان و ویراستاران *دایرةالمعارف/اسلام* نفوذ یافته است و چه شاخص‌هایی دارد؟ این مقاله با روش تحلیل گفتمان یهودی، به پاسخ‌گویی به این پرسش می‌پردازد و پس

1. The Encyclopedia of Islam EI2.



از شناسایی شاخص‌های یاد شده، نفوذ گفتمانی را در این مرجع علمی وامی‌کاود. پژوهش‌گران و اندیشه‌ورزانی بسیاری درباره یهودیان و مطالعات شرق‌شناسی آنان آثاری سامان داده‌اند. برای نمونه آبراهام گایگر^۱ در کتابی (۱۸۳۳م/۱۲۴۹ق) به شبهه وام‌گیری محمد از یهودیت پرداخت. این اثر در مطالعات اسلامی بسی تأثیر گذارد (Kramer, 1999: 1-48)، اما این تنها یکی از چند شاخص گفتمان یهودی است. هم‌چنین مقاله «شرق‌شناسی یهودی و سیطره آن بر مطالعات اسلامی در غرب» (جان‌احمدی، ۱۳۸۸: ۸۵-۱۰۲)، از اندک پژوهش‌های فارسی‌زبان در این باره به شمار می‌رود که از نوآوری‌هایی نیز برخوردار است، اما باز مباحث گفتمانی یهودیت را برنمی‌رسد، بلکه تنها به مباحث شرق‌شناسی یهودیت می‌پردازد.

مقاله «کشف یهودی اسلام» نوشتهٔ مارتین کرام^۲ که به مطالعه تاریخی پیدایی شرق‌شناسی ناظر است نیز با این سخن برنارد لوئیس^۳ آغاز می‌شود: دانش‌مندان یهودی نخستین کسانی بودند که تلاش کردند اسلام را سازگار با برداشت و باور مسلمانان به خوانندگان اروپایی بشناسانند. از این‌رو، کرامر معتقد است: بسیاری از دانش‌مندان و متفکران یهودی به وام‌داری اسلام به یهودیت باور دارند و می‌گویند: اسلام آموزه‌های خود را از یهودیت برگرفته است.

مقاله «از اروپای شرقی تا خاورمیانه: واژگونی در سیاست صهیونیستی در برابر یهودیان کشورهای اسلامی» نوشته اشتر میرگلitzنستین^۴ نیز با روی‌کردی تاریخی به تأثیر یهودیان در این زمینه اشاره کرده است. از دید نویسنده، جنبش صهیونیستی فلسطین در درازنای جنگ جهانی دوم برای یهودیان کشورهای اسلامی تهدیدی بزرگ به شمار می‌رفت. فعالیت صهیونیستی تا آن زمان در اروپا متمرکز بود؛ زیرا بیش‌تر یهودیان در اروپای شرقی ساکن بودند، اما از آغاز جنگ جهانی دوم، موج مهاجرت یهودیان به فلسطین هم آغاز شد (Meir-Glitzenstein, 2001: 24-48).

هیچ یک از این پژوهش‌ها از منظر گفتمانی سهم نفوذ و تأثیر یهودیان را در این زمینه برنرسیده‌اند و از بر مقالات دایره‌المعارف/اسلام نیز متمرکز نیستند، اما این مقاله با توجه به این دو محور، در پی اثبات فرضیه نفوذ اندیشه‌های یهودی در مقالات دایره‌المعارف/اسلام در قالب گفتمانی است. بنابراین، پس از شناسایی شاخص‌های این گفتمان، پیوندهای آنها را با یک‌دیگر برمی‌رسد.

تأثیرگذاری دایره‌المعارف/اسلام

دایره‌المعارف/اسلام به همت متخصصان و نخبگان رشته‌های گوناگونی گرد آمد؛ سپس بر پایه نظامی خاص (بیش‌تر الفبایی یا موضوعی) سامان یافت. دایره‌المعارف/اسلام، چُنْگی از مقالات نظام‌مند الفبایی در قلمرو مطالعات اسلامی، فرهنگ و تمدن مسلمانان است که آموزه‌های اسلامی را به خواننده می‌شناساند (حداد عادل، ۱۳۹۲، ۱۵) و از مراجعی است که خواننده‌اش می‌تواند به آسانی پاسخ پرسش‌های خودش را در آن بیابد (انصاری، ۱۳۶۸: ۳۲-۳۳). و نقطه اوج مطالعات اسلامی غربیان به شمار می‌رود (السعدی، ۱۳۸۱: ۱۲۵). چاپ نخست این کتاب (۱۹۱۳-۱۹۳۸ م) در قالب چهار جلد

1. Abraham Geige.
2. Martin Kramer.
3. Bernard Lewis.
4. Esther Meir-Glitzenstein.





اصلی و یک جلد «تکمله» هم‌زمان به انگلیسی، فرانسوی و آلمانی در بردارنده بیش از نه هزار مقاله به همت نشرهای بریل لیدن^۱ هلند و اتوهاراسوئیس^۲ لایپزیگ آلمان چاپ و منتشر شد (خوش‌دل، ۱۳۸۲: ۵۶).

طرح تدوین دومین تحریر این اثر (گسترده‌تر از تحریر نخست) به انگیزه رفع کمبودها و مشکلات آن، در کنگره ۲۱ شرق‌شناسان در پاریس (ژوئیه ۱۹۴۸) تصویب شد و پس از تمهید مقدمات، انتشار آن به انگلیسی و فرانسوی در قالب جزوه از ۱۹۵۴ میلادی آغاز شد و سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۴ میلادی در یازده مجلد اصلی (همه فرانسوی و انگلیسی و کمابیش یازده هزار صفحه) پایان یافت (حدادعادل، ۱۳۹۲: ۱۱).

همیلتون گیب^۳، لوی پروونسال^۴، جی اچ کرمرز^۵، جوزف شاخت^۶، برنارد لوئیس^۷، شارل پلا^۸، وی آل میناگ^۹، فون دانتزل^{۱۰}، آرهاوتینگ^{۱۱}، باسورت^{۱۲} و پی جی بیرمن^{۱۳}، سروراستاران ویرایش دوم کتاب بودند که برخی از آنان یهودی و شماری از آنان با یهودیان هم‌سویند.

با توجه به گستردگی قلمرو محتوایی *دایرةالمعارف/اسلام*، این پرسش مطرح می‌شود که گفتمان حاکم بر این اثر تا چه اندازه در بازنمایی واقعیات تاریخی و الیهاتی کام‌یاب بوده است؟ دایرةالمعارف‌های مغرب‌زمین درباره گذشته و اکنون جهان اسلام، ناخودآگاه از چگونگی برداشت غربیان از اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی متأثرند و این ویژگی، در انتخاب و حذف و ابقای مدخل‌ها و چگونگی سامان‌دهی مقالات نمایان می‌شود (حسین‌زاده، ۱۳۹۰، ۱۶۸). همین طرز تلقی، زمینه را برای پیدایی و تأثیرگذاری گفتمان یهودی در *دایرةالمعارف/اسلام* فراهم آورد. نویسندگان ویراست دوم کتاب کار خود را چنین توصیف کرده‌اند: «چاپ اخیر دایرةالمعارف اسلام بازگوکننده اطلاعات جدید ما درباره جهان اسلام است. این کتاب مرجعی یگانه و بسیار ارزش‌مند و منبعی معتبر نه تنها درباره اسلام که درباره همه مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی است» (عباسی، ۱۳۸۲، ۵۳).

این مقاله بر پایه پیش‌فرض یهودی بودن سرچشمه گفتمان حاکم بر *دایرةالمعارف*، به بررسی و نقد مدخل‌هایی از آن می‌پردازد که به رابطه اسلام، پیامبر اسلام و مسلمانان با یهودیان ناظرند. مهم‌ترین بخش‌های نشان‌دهنده این گرایش، مدخل‌هایی‌اند که رویارویی مستقیم یهودیت و اسلام را با یک‌دیگر بازمی‌نمایند. بررسی مدخل‌ها و مقالات از منظر گفتمان یهودی، کاری است که برخی از نویسندگان در قالب شرق‌شناسی یهودی به آن پرداخته و برخی از آنان شرق‌شناسی یهود را با هدف پیدا کردن ریشه‌های شرقی یهود دنبال کرده‌اند. یهودیان فرانسوی سده نوزدهم میلادی کوشیدند خود را از سرچشمه‌های کهن شرقی جدا کنند تا فرآیند ادغامشان در جامعه فرانسه تسهیل شود، اما یهودیان اوایل سده بیستم به سرچشمه‌های شرقی خود بازگشتند و آن را مایه افتخار شمردند. بازگشت به شرق، حاصل احساس بیگانگی و فقدان بود که بسیاری از یهودیان آن دوره در رمان‌ها و اشعارشان به آن اشاره کرده‌اند. یهودیان از این طریق به گروهی فرهنگی - قومی بدل گشتند که هویتی یهودی داشتند و همین ویژگی به پیدایی شرق‌شناسی یهودی انجامید (Malinovich, 1999: 1-25).

1. Leiden, Brill.
2. Leipzig, Otto Harrassowitz.
3. Hamilton A. R. Gibb 1895-1971
4. Provencal, Louis.
5. J. H. Kramers (d. 1951).
6. Joseph Franz Schacht.
7. B. Lewis.
8. Ch. Pellat.
9. V.L. Ménage.
10. L. Daniel.
11. G. R. Hawting.
12. C.E. Bosworth.
13. P.J. Bearman.





باری، شماری از پژوهش‌گران به دنبال اثبات سوء استفاده شرق‌شناسان غربی از تاریخ به سود یهودیانند. برای نمونه، محمدجلاء ادريس پس از تبیین برخی از شاخص‌های شرق‌شناسی یهودی، شبهات مستشرقان مسیحی و یهودی را درباره اسلام مطرح می‌کند و می‌گوید: شرق‌شناسان یهودی و اسرائیلی نیز راه دیگر شرق‌شناسان را پیش گرفته‌اند و به انگیزه تضعیف جایگاه اسلام، از همان روشی بهره می‌برند که دیگران از آن سود برده‌اند. او از دیگر شبهات آنان هم سخن می‌گوید و با استناد به آیات قرآن و روایات، آنها را پاسخ می‌گوید (ادريس، ۱۹۹۵: ۸۹).

این مقاله برای بررسی و شناسایی شرق‌شناسی یهودی، آن را از منظر تحلیل گفتمان برمی‌رسد. شاخص‌های اجتماعی و ایدئولوژیک در گفتمان بسیار مهمند و برای نشان دادن اهمیت آنها می‌توان از تشبیه «دو روی یک سکه» سود برد؛ یعنی گفتار^۱ یک روی سکه و شاخص اجتماعی و کار^۲ روی دیگر آن است. به تعبیر دیگر، معنای گفتار، کاری (نقشی) ملازم با آن گفتار است و گفتار و کار را نمی‌توان از یک‌دیگر جدا کرد و افزون بر اینها، هر کاری در اوضاع اجتماعی ویژه‌ای صورت می‌گیرد و تفسیر گفتار نیز تابع اوضاع خاص اجتماعی است (یارمحمدی، ۱۳۹۱: ۶).

بنابراین، شاید پشت گزاره‌ها، عبارات و جملاتی به ظاهر نامرتبط دایره‌المعارف/اسلام، هدفی کلان نهفته باشد و محقق برای درک درست و دقیق متن باید افزون بر خود متن، هدف کلی و کلان نویسنده یا ویراستار را نیز در نظر داشته باشد؛ عبارات و اهداف با یک‌دیگر ملازمند و خواننده باید با رصد کردن پیوسته شاخص‌هایی مانند شیوه بیان، نوع نگاه، تعداد تکرار عبارت، نوع خطاب، مبهم‌گویی و چگونگی استفاده از منابع، به کشف گفتمان حاکم بر متن بپردازد. بنابراین، تحلیل گر گفتمان با بررسی عبارات و گزاره‌های متن، در پی کشف گفتمان حاکم بر کتاب، مقاله و... (متن) است. به گفته میشل فوکو، گفتمان توده بی‌شکل عبارت‌ها و گزاره‌هایی است که دیرینه‌شناس نظم و قاعده حاکم را بر آنها کشف می‌کند (Dant, 1991: 129). گفته‌اند: متن (شفاهی یا کتبی)، مرادوای زبان‌شناختی و فقط پیامی است که آن را در رسانه شنیداری یا دیداری رمزپردازی می‌کنند (میلز، ۱۳۸۸: ۱۰). کسانی آن را اسمی شمارش‌پذیر می‌دانند و می‌گویند: یک گفتمان، آن گفتمان و آن گفتمان‌ها درباره روش سخن گفتن به کار می‌رود که به تجربه‌های برآمده از منظری خاص، معنا می‌بخشند.

واژه گفتمان در این معنا به هر گفتمانی ناظر است که تفکیک آن از دیگر گفتمان امکان می‌پذیرد؛ مانند گفتمان فمینیستی، گفتمان نئولیبرال، گفتمان مارکسیستی، گفتمان مصرف‌کننده یا گفتمان محافظت از محیط زیست (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۹). هر یک از این گفتمان‌ها، بر پایه شاخص‌های ویژه خودشان، از دیگر گفتمان‌ها جدا می‌شوند، اما خود این گزاره‌ها و شاخص‌ها، مقوم خود آن گفتمانند. بنابراین، به جُنْگی از گزاره‌های به‌ظاهر پراکنده و متفرق و در باطن پیوسته و منسجم دارای هدف و پیامی واحد، گفتمان می‌گویند.

شاید این گزاره‌های پراکنده را فردی خاص در زمانی خاص در متن نگنجانده باشد، بلکه افرادی در زمان‌های گوناگون گزاره‌ای را در بخشی از بخش‌های پراکنده یک متن گنجانده باشند، اما هنگامی

1. Speech.
2. Act.



که محقق همه آنها را شناسایی می‌کند و کنار یک‌دیگر می‌گذارد، آن مجموعه را دارای پیامی واحد و منسجم می‌یابد و آن را گفتمان حاکم بر متن می‌خواند. از این رو، برای شناخت هر گفتمانی نخست باید گزاره‌ها و شاخص‌های پراکنده آن را شناخت؛ سپس نظم و قانون حاکم را بر آن متن بازشناخت؛ چنان‌که برخی از مستشرقان همچون گلدتسیهر یهودی، فقط به بررسی ظاهر مدارک و اسناد تاریخی نمی‌پرداخت، بلکه می‌کوشید انگیزه‌های پنهان پشت پرده واژه‌ها را کشف کند (سحاب، ۱۳۷۲: ۳۳۰). پس با کاربست روش و سازکار مناسب، به کشف ارتباط میان متن یا گفته با ایدئولوژی حاکم بر متن دست یافت و این هدف با تحلیل گفتمان تحقق می‌پذیرد.

شاخص‌های شرق‌شناسی یهودی

برای شناخت گفتمان نخست باید شاخص‌ها و گزاره‌های آن را شناخت؛ سپس پیام همه آنها را دریافت. بنابراین، به برخی از شاخص‌های شرق‌شناسی یهودی در قالب گفتمان یهودی بدین شرح اشاره می‌شود:

۱. بی‌اعتباری منابع اسلامی

بی‌اعتباری منابع اسلامی، از بنیادی‌ترین شاخص‌های گفتمان یهودی است. این گفتمان، آن منابع را روایت‌گر روی داده‌های صدر تاریخ اسلام نمی‌داند، بلکه بر این است که آن منابع را در دوره‌های بعدی نوشته‌اند؛ یعنی منابع موجود حاصل تصورات و خیال‌پردازی‌ها و حتی دروغ‌پردازی‌های مسلمانان قلمروهای گوناگون جهان اسلامند (خلیفه حسن، ۲۰۰۳: ۱۸).

۲. شبیه اقتباس

گفتمان یهودی پس از تردیدافکنی درباره منابع اسلامی و جداسازی اسلام از منابع اصیل خود، این پرسش را مطرح می‌کند که اسلام امروز از چه منبعی گرفته شده است؟ و در پاسخ به این پرسش می‌گوید: این اسلام از ادیان معاصرش اقتباس شده است و نظام اعتقادی، عبادی، اجتماعی و... ندارد، بلکه وام‌دار نظامات معاصر خودش است؛ چنان‌که مسلمانان نماز و روزه ماه رمضان و دیگر عبادات را به تقلید از نماز و روزه یهودیان و مسیحیان ادا می‌کنند. (Lazarus, 1981: 75)

۳. اسطوره‌انگاری مسلمانان

گفتمان یهودی پس از بی‌اعتبار نمودن منابع اسلامی و مقتبس بودن اسلام از یهودیت و مسیحیت، برخی از باورهای مسلمانان را ساخته و پرداخته اوهام و خیال‌پردازی مردمان سده‌های بعدی می‌خواند؛ مانند باور به معراج پیامبر (ص) که به انگیزه‌های فراوانی همچون انگیزه‌های سیاسی مرتبط با قدس پیدا شد (Lazarus, 1981: 211).





۴. تأثیر یهودیان در گسترش اسلام

بر پایه دیگر ادعای این گفتمان، خاخام‌های یهودی در شناساندن و گستراندن اسلام بسیار مؤثر بودند؛ زیرا در زمینه رفع خلأ فکری مسلمانان کوشیدند. یهودیان در روزگار جاهلیت نیز نزد مشرکان از مرجعیت علمی برخوردار بودند و در دوره‌های بعدی با تحلیل و تفسیر منابع اسلامی، به گسترش اسلام پرداختند. (Wansbrough, 2004: 268) از این رو، توجه به جایگاه ویژه یهودیان و درک اهمیت و جایگاه مؤثر آنان، در رشد سنت درازآهنگ اسلامی و منابع ادبی، از دیگر گزاره‌ها و شاخص‌های گفتمان یهودی است.

این شاخص‌ها در مقالات *دایرةالمعارف/اسلام* پراکنده‌اند و البته با یک‌دیگر مرتبطند و انسجامی درونی دارند؛ چنان‌که اگر شاخص نخست اثبات شود، طرح شبهه اقتباس امکان می‌پذیرد؛ سپس تأثیر یهودیان در گسترش اسلام توجیه می‌شود. با توجه به این شاخص‌ها، *دایرةالمعارف* در چارچوب گفتمان یهودی سامان یافته است. بر شمار این شاخص‌ها می‌توان افزود؛ شاخص‌هایی که پیام اصلی‌شان تعظیم یهودیت و یهودیان و تخفیف اسلام و مسلمانان است. چنین گزاره‌هایی در مقالات متعدد *دایرةالمعارف* با نقل مطالب سوگیرانه تاریخی و بر کنار از اصالت اسلام و باورهای مسلمانان، از یهودیت پشتیبانی می‌کنند.

گفتمان یهودی در مواجهه فرهنگی با پیامبر اسلام (ص)

دایرةالمعارف هنگام روایت‌گری روی داده‌های صدر تاریخ اسلام همچون مواجهه پیامبر (ص) با یهودیان، در اصالت اسلام، منابع اسلامی، قرآن، پیامبر اسلام و... تشکیک می‌کند. این بخش درباره محورهای حاکمیت گفتمان یهود بر تفسیر و تحلیل مواجهه یهودیان با پیامبر اسلام (ص) گزارش می‌دهد:

انکار نزول قرآن

نفوذ یهودیان، زمینه تأثیرگذاری فرهنگی آنان را در مردم فراهم می‌آورد؛ چنان‌که گاهی برخی از قبایل عرب، برای پذیرش یا واژنش اسلام با یهودیان مشورت می‌کردند. به گزارش برخی از منابع، هنگامی که قبایل عرب مدینه در موسم حج دعوت رسول خدا را به اسلام شنیدند، یکی از آنان پیش‌نهاد کرد هنگام بازگشت به مدینه با یهودیان فدک مشورت کنند؛ سپس آن را بپذیرند و چنین کردند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۴: ۵۹۸). پیامبر اسلام (ص) بر پایه رسالت خودش، مردم مدینه (مشرکان و یهودیان) را به اسلام فراخواند، اما یهودیان به شگردهای گوناگون کوشیدند منزلت رسول خدا (ص) را فروبکاهند. مستشرقان نزول وحی را بر پیامبر خدا (ص) نمی‌پذیرند و می‌گویند او به بیماری دچار بوده و می‌پنداشته است که بر وی وحی نازل می‌شود. گلدتسیهر، در این زمینه می‌گوید:

معمولاً ابرمردان دچار یک بیماری روحی می‌شوند که توهمات را به عنوان واقعیت تصور می‌کنند (Eliash, 1969: 15-24) ... اگر مراحل پاتولوژیک پیدایش گمان وحی و اعتقاد به آن و پا بر جا





شدن این باور را در نفس او، گام به گام دنبال کنیم، کافی است و در این جا جمله‌ای پر مغز هارناک را درباره بیماری‌ای که تنها عارض ابرمردان می‌شود یاد کنیم که به وسیله آن به زندگی نوینی می‌رسند که پیش از آن ناشناخته بوده است و از آن نیرویی به دست آورند که بر همه مشکلات پیروز آیند. شور نبوت و ولایت از این قبیل است (گلدتسیهر، ۱۳۵۷: ۷).

بازتاب این دیدگاه در *دائرة المعارف اسلام*، زمینه‌ساز حاکمیت گفتمان یهودی بر آن است. بنابراین، نویسندگان بخش‌های گوناگون این اثر، در مقاله «محمد» همین دعوی را بازگو کرده‌اند:

مشکل می‌توان تعیین کرد که تا چه میزان محمد تحت تأثیر نهضت‌ها و ایده‌های توحیدی گوناگون در عربستان اوایل قرن هفتم پس از میلاد بوده است (Buhl and et al, 1993:378). ... آنچه مسلم است این است که واقعه‌ای روی داد که کل باطن او را متحول ساخت و او را از نیرویی معنوی سرشار کرد که در تمام دوران زندگی‌اش به‌طور سرنوشت‌ساز منتقل می‌شد. «(Buhl and et al, 1993:362) ... دنیایی جدید از ایده‌ها به گونه‌ای روزافزون ذهن او را فراگرفت تا اینکه سرانجام او را با نیرویی شدید و مقاومت‌ناپذیر وادار ساخت که گام پیش نهاده، آن ایده‌ها را اعلان کند (Buhl and et al, 1993:364). این نیروی مقاومت‌ناپذیر، در درون پیامبر تأثیر گذارد؛ چنان‌که ایده‌پردازی کرد و خطرات ذهنی‌اش را به زبان آورد:

بخش‌هایی از قرآن که بیان‌گر مراحل نخستین تلاوت عمومی آن از زبان محمد است، از نوعی الهام بسیار هیجان‌آمیز نشان دارد که به ندرت در بخش‌های بعدی زندگی وی نظیری برای آن دیده می‌شود. (Buhl and et al, 1993:362) خودآگاهی از این امر که او وسیله برگزیده خداوند است، آنچنان در درون او نیرومند شده بود که دیگر نمی‌توانست به موجودی بی‌ارزش با هدفی دست‌نیافته تنزل کند ((Buhl and et al, 1993:382). اعتقاد راسخ او به منشأ الهی رسالتش و موقعیت وی در میان مؤمنان، به او اجازه نمی‌داد که باور کند در یک‌سان انگاشتن نسخه‌های کتاب خدا که بر موسی، عیسی و اکنون خود او نازل شده بود، مرتکب اشتباه گردیده است (Buhl and et al, 1993:367).

گفتمان یهودی این همه را توهمی بر اثر بیماری عارض بر او می‌شمرد و وحی الهی و آموزهای اسلامی را حاصل توهّمات و خیال‌پردازی‌ها و مکاشفات می‌داند. شرق‌شناسان یهودی معتقدند رشد تدریجی اسلام در نخستین سده‌های تاریخ اسلام و دریافت وحی، پی‌آمد مکاشفه پیامبر است. قرآن می‌گوید: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ» (مائده، ۱۵)؛ نور و کتاب آشکاری از سوی خدا به سوی شما آمد یا پیامبر می‌گوید: «وَ أَوْحَىٰ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ» (انعام، ۱۹)؛ این قرآن بر من وحی شده است تا شما و همه دریافت‌کنندگان قرآن را بیم دهم [و از سرپیچی از فرمان خدا بترسانم]. اما مستشرقان یهودی همچون لئون کاتنان^۱ بدون در نظر آوردن چنین گزاره‌هایی، می‌گویند: «ظهور محمد در مقام یک مصلح دینی به تدریج صورت گرفت و در بردارنده دوره‌ای طولانی از مکاشفه و تفکر بود که در متون سیره آن را تحت می‌نامند» (Watt, and et al, 1991:144) هر چند او نزول

1. Leone Caetani





وحی را به واسطه جبرائیل، به اخبار مسلمانان نسبت می‌دهد، مقصودش از این ارجاع، خیال‌پردازی مسلمانان است (Watt, and et al, 1991:145).

گفتمان حاکم یهودی بر *دائرة المعارف*، شکافی درون‌گفتمانی میان نص و اجتهاد مسلمانان می‌افکند؛ چنان‌که وحی را منکر می‌شود و با تأکید بر تأثیر متکلمان و فیلسوفان در تصویرسازی وحی و خیال‌پردازی، اختلاف نصوص را با سخن فیلسوفان توجیه می‌کند:

به گفته فلاسفه این شخصیت کاریزمای خاص پیامبران است که آنها از طریق وحی فرشته‌ها را در شکل جسمانی‌شان می‌بینند و صدایشان را می‌شنوند. نباید این مطلب رد شود که وقتی آنها بیدار هستند، چیزی را می‌بینند که مردم عادی در خواب می‌بینند؛ یعنی آنها افرادی هستند که شاعرانه سخن می‌گویند و به ایده‌هایی اشاره می‌کنند که با آنچه در واقع رخ می‌دهد هم‌بستگی دارد؛ چرا که روح آنها از دغدغه‌های بدنی آزاد است و می‌تواند به سادگی با جهان الهی ارتباط برقرار کند (عالم القدس). اغلب این ویژگی خاص و عجیب در آنها تبدیل به قوه‌ای نهادینه می‌شود که به سادگی کار می‌کند و به بیان *دائرة المعارف* این نظریه وحی به گفته لاهیجی، گمراه‌کننده است و در هم‌آهنگی با دیدگاه‌های خود فلاسفه نیست که به اعتقاد آنها [فلاسفه] فرشته‌ها نمی‌توانند دیده شوند؛ آنها موجوداتی صرفاً روانی هستند که گفتاری قابل شنیدن تولید نمی‌کنند؛ ویژگی‌ای که صرفاً به موجودات مادی تعلق دارد. بنابراین، نظریه فلاسفه وحی را به عنوان تصور آنچه که در واقعیت مبنایی ندارد، توضیح می‌دهد؛ به همان اندازه جزئی و ناچیز که از دهان مردم دیوانه و بیمار بیرون می‌آید. اگر هر یک از ما باید بر اساس اقتدار و مرجعیت خودمان آنچه مفید و معنادار است را فرمان دهیم و منع کنیم، ما پیامبر نمی‌شدیم. تا چه حد یک گفته پیامبرانه که هیچ مبنایی در خرد ندارد و اغلب در تضاد با خرد است مبتنی بر تصورات و تخیلات است؟ (Wensinck and Rippin, 2002:53).

بنابراین، تأثیر فیلسوفان و متکلمان در تصویرسازی بر پایه منطق و فلسفه ارسطویی، به خلق پیامبری انجامید که قادر بود ذهن مسلمانان سراسر دنیا تسخیر کند؛ شخصیتی که نزد انسان‌ها اسطوره و الگویی محترم است.

عدم اصالت منابع اسلامی

دیگر اتهام فرهنگی مستشرقان درباره اسلام، این است که منابع اسلامی اصالتی ندارند، بلکه مسلمانان به تقلید از متون کهنی همچون تورات و انجیل آنها را نوشته‌اند. اوری روبین^۱ از مستشرقان یهودی معاصر و از مترجمان عبری قرآن و استاد گروه مطالعات عربی و اسلامی دانش‌گاه تل‌آویو اسرائیل، چنین دیدگاهی عرضه کرده است. او در زمینه صدر تاریخ اسلام (با تأکید ویژه بر قرآن)، تفسیر قرآن و سنت نخستین اسلامی (سیره و حدیث) تحقیق می‌کند. او هم‌چنین عضو شورای *دائرة المعارف قرآن* بوده و کتاب‌هایی درباره حضرت محمد (ص) نوشته است؛ مانند *زندگی محمد آن گونه که مسلمانان اولیه آن را مشاهده کرده‌اند (تحلیلی متنی)*. (Rubin, 1998:87).

1. Uri Rubin.



وی درباره تأثیرپذیری محمد از یهودیان و مسیحیان معتقد است نوشتن تاریخ مقدس در سنت اسلامی مسلمانان از اسطوره‌پردازی‌های معاصران متأثر بود. گفتمان یهودی، پیامبر (ص) را از آموزه‌های فرهنگ دوران جاهلیت (فرهنگ مسیحیان و یهودیان و...) متأثر می‌داند و بنابراین، از داستان‌های آنان نیز به سود خود بهره می‌برد و تصریح می‌کند داستان‌های تورات در خیال‌پردازی‌های مسلمانان مؤثر بود و مسلمانان همواره به اقتباس از این داستان‌ها پرداخته و این کار را دنبال کرده‌اند:

افسانه‌های کتاب مقدس، تفاسیر آن و ویژگی‌های داستانی در افسانه اسلامی موسی با تصویری کامل مخلوط می‌شوند و در اثر الثعلبی تشکیل یک داستان عاشقانه منظم می‌دهند. خیال‌پردازی‌های تزیینی زیادی وجود دارد؛ مثلاً معجزه مارها، طاعون و صحنه‌هایی از دریای سرخ؛ خصوصاً عصای موسی نقش مهمی بازی می‌کند. عصا از بهشت آمد. آدم، هابیل، شیث، ادریس، نوح، صالح، اسماعیل، اسحاق و یعقوب قبلاً از این عصا استفاده می‌کردند. یک فرشته عصا را آورد. موسی آن را از همسرش به دست آورد؛ پدرخوانده‌اش بر سر اینکه عصا متعلق به کیست با موسی مشاجره می‌کند و فرشته به نفع موسی رأی می‌دهد. این یک عصای معجزه‌آسا است و ثعلبی (۱۱۱-۱۶) به طور خاص حیرت و تعجبی که این عصا ایجاد می‌کند را بازگو می‌کند. عصا در تاریکی می‌درخشد؛ در خشک‌سالی آب می‌دهد و وقتی بر زمین گذاشته شود به درخت تبدیل می‌شود و میوه می‌آورد؛ عصا شیر و عسل رایحه خوش‌بو تولید می‌کند؛ در برابر دشمن بدل به یک اژدها می‌شود. عصا کوه‌ها و سنگ و رودخانه و دریا را می‌شکافد؛ این عصا همچنین عصای دست چوپان است و حیوانات را از شکار شدن حفظ می‌کند. یک بار وقتی موسی خواب بود، عصا یک اژدها و یک باردیگر هفت نفر از آدم‌کش‌های فرعون را کشت (Wensinck and Rippin, 2002:53).

روبین برای تفسیر و تحلیل متون دینی، به افسانه‌پردازی‌ها روی می‌کند و این شیوه افسانه‌پردازی را همچنین در تحلیل قرآن به کار می‌بندد. دیدگاه صریح اوری روبین یهودی درباره یهودی‌سازی تاریخ اسلام، بر حاکمیت گفتمان یهودی بر آثار این مستشرقان دلالت می‌کند که در پی اثبات تأثیرپذیری اسلام از ادیان و محیط فرهنگی مکه‌اند. او می‌گوید:

در این مطالعات بود که تأثیر ادبیات یهودی و مسیحی در نگارش تاریخ مقدس در سنت اسلامی در سیره‌نویسی مورد بررسی و کاوش قرار گرفت (Rubin, 1998:147). مسلمانان متأثر از ادبیات دینی، باورهای اعتقادی، مناسک مذهبی و سنت‌های عمومی به گسترش اسلام می‌پرداختند.

روبین و کسانی همچون او، از هیچ تلاشی برای یهودی‌سازی اسلام غافل نمی‌مانند و می‌کوشند دخالت یهودیان را در پیدایی و گسترش اسلام اثبات کنند. این باور اوری روبین در آثار دیگر مستشرقان؛ مانند گلدتسیهر، شاخت و جان ونزبرو نیز دیده می‌شود (جان احمدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۵۳) و شاید بتوان گفت که گفتمان یهودی بر بخش فراوانی از آثار مستشرقان حاکم است؛ چنان‌که دایرةالمعارف/اسلام نیز در مدخل تورات همین سخن اوری روبین را درباره یهودی‌سازی اسلام به صراحت تکرار می‌کند:

مردم به ایده‌های مذهبی یهودی، مفاهیم اخلاقی و افسانه‌های پندآموز آشنا بودند، بلکه حتی



برخی از کلمات آرامی و عبری توسط آن اعرابی که ارتباط نزدیکی با یهودیان پیدا کردند جذب شد؛ همان طور که ایده‌های مسیحی و عناصری از مجموعه لغات آن به شکلی نیمه‌آگاهانه جذب شدند (Welch, Paret and Pearson, 1986: 421). لذا باید گفت که این ایده‌ها در داستان‌های بعدی تأثیرگذار بوده است. مسلمانان پس از دریافت مطالب از کتب مقدس یهودیان و مسیحیان خود نیز مطالبی را می‌افزودند؛ مثلاً وجود داستان انبیا در کتاب مقدس باعث شد داستان‌های قرآن که با ادبیات عامیانه همراه شده است، تکمیل و بخش زیادی از تفاسیر مسلمانان به وسیله داستان‌های انبیا اقتباس شده از کتاب مقدس همراه با خیال‌پردازی مسلمانان گسترش یافته است؛ مثلاً دختران بیمار فرعون به محض اینکه گهواره موسی را لمس می‌کنند، شفا می‌یابند یا طبق نقل برخی از منابع، دختر فرعون از جذام نجات می‌یابد. موسی که کودک خردسالی بود، چانه فرعون را می‌خراشد و فرعون می‌خواهد او را بکشد، [اما] با پادرمیانی آسیه فرعون موسی را با گذاشتن طلا و جواهر در یک سو و زغال گذاشته در سوی دیگر امتحان می‌کند. موسی به طلا می‌رسد، اما جبرئیل دست او را به سمت زغال گذاشته راه‌نمایی می‌کند. موسی دست سوخته‌اش را بر زبانش می‌گذارد و در نتیجه الکن می‌شود.

بی‌اعتنایی به منابع اسلامی

بی‌اعتنایی به برخی از منابع اسلامی، از دیگر شگردهای گفتمان یهودی است؛ یعنی هنگامی که منابع، یهودیان را به خیانت متصف می‌کنند، یهودیان از آن منابع گله‌مند می‌شود که چرا به توصیف یهود نپرداخته‌اند. برخی از منابع اسلامی از کارشکنی‌ها و هجمه‌های فرهنگی یهودیان در برابر مسلمانان بسیار یاد کرده و برای نمونه گفته‌اند:

یهودیان می‌گویند: قرآن همان مطالب تورات به شکل محرف است. هم‌چنین تناقض‌هایی در قرآن هست. آنان با این شبهات می‌خواهند مؤمنان را گمراه و باورهایشان را سست کنند و بنابراین، وقتی که به این کار سرگرم شدند، دیگر نتوانستند در حق و حقیقت به جست‌وجو بپردازند. عده‌ای از بزرگان انصار مانند معاذ بن جبل و سعد بن معاذ که قبل از بعثت با یهودیان رابطه دوستی داشتند، به آنها گفتند: شما قبل از بعثت نشانه‌های پیامبر و ظهورش را به ما می‌گفتید؛ پس از مخالفت با پیامبر دست بردارید و از عذاب خدا بترسید، اما یهودیان گفتند: هرگز بعد از موسی پیامبری مبعوث نشده و کتابی نازل نشده است. وقتی عده‌ای از مشرکان از یهودیان درباره دین جدید؛ یعنی اسلام راه‌نمایی خواستند، آنها به علت کینه و دشمنی با پیامبر گفتند: دین شما بهتر و قدیمی‌تر است و شما هدایت‌یافته‌ترید.

دائرةالمعارف/اسلام بدون تقبیح دیدگاه یهودیان، با توجه به چنین اخباری، در منابع روایی آنها تشکیک می‌کند:

در قرآن، هر دو عبارت بنو اسرائیل و یهود در ادبیات سنتی به کار می‌روند، اما بنی اسرائیل معنای وسیع‌تری دارد که شامل اسرائیلی‌های باستان و یهودیان معاصر می‌شود. با این حال، کلمه یهود بسیار رایج شده است و اغلب کلمه یهود در زمینه‌هایی ظاهر می‌شود که اغلب منفی هستند؛ مانند مواجهه



محمد با قبایل یهود در مدینه (بنی قینقاع، النضیر و قریظه) و ساکنان واحه خیبر که تمام آنها با تمام جزئیات در سیره و مغازی بازگو شده است. به عنوان مثال، خاخام‌های یهودیان در مدینه کسانی معرفی می‌شوند که کینه‌توزی و دشمنی‌شان معطوف به رسول خدا بود.

«جاء فيه أن الأخبار من يهود و الرهبان من النصارى و الكهان من العرب، قد تحدثوا بأمر رسول الله (صلی الله علیه و سلم) قبل مبعثه لما تقارب من زمانه. أما الأخبار من يهود و الرهبان من النصارى، فلما وجدوا في كتبهم من صفته و صفه زمانه و ما كان من عهد أنبيائهم إليه فيه» (ابن هشام، ۱۹۵۵: ۵۱۶). یهودیان در این حدیث نه تنها بداندیش، بلکه فریب‌کار (واقدی، ۱۹۸۹: ۳۶۳) ترسو (ابن هشام، ۱۹۸۵: ۵۷) و به طور کلی فاقد تصمیم و رأی (ابن هشام، ۱۹۵۵: ۵۲۰) به نظر می‌رسند.

دائرة المعارف این کار را تقبیح می‌کند و بی‌اعتنا به داده‌های منفی منابع تاریخی درباره یهودیان، در دفاع از آنان می‌گوید:

اما آنها (یهودیان) هیچ یک از صفات و خصایل خبیث و شیطانی که در ادبیات مسیحی قرون وسطا نیز به آنها نسبت داده می‌شد را ندارند و هیچ چیزی قابل مقایسه با این میزان از درگیری با یهودیان و یهودیت (شاید به جز در روایت‌هایی در مورد مواجهه محمد با یهودیت مدینه) در ادبیات حدیث اسلامی وجود ندارد.

کتاب در بخش دیگری از اطلاق سخن می‌کاهد و نمی‌گوید آنان صفات شیطانی نداشته‌اند، بلکه شماری را از یهودیان استثنا و به این شیوه بار منفی گزارش‌های تاریخی را مهار می‌کند و آن صفات را ویژگی‌های همین افراد «معلوم الحال» می‌شمرد و دامن یهودیت را ننگ چنین سخنانی می‌شوید: به غیر از تعداد کمی استثنای قابل توجه، مانند حی بن اخطب، یکی از رهبران بنی‌نضیر و کعب الاسد رهبر بنی‌قریظه، یهودیان در سیره و مغازی، افراد پست و بدذاتی هستند. بدنامی آنها در تضاد با شجاعت و قهرمانی اسلامی است و به طور کلی در تطابق و هم‌راهی با تصویر قرآنی بدبختی و بی‌چارگی و فرومایگی است که به آنها نسبت داده می‌شود (Watt, 1997:1138).

باری، نگرش منفی درباره یهودیان، به خطاها و اشتباهات افراد کم‌شماری از آنان ناظر نیست، بلکه این آثار در بردارنده نگرش منفی درباره گستره یهودیتند و در این زمینه به مسلمانان نیز هشدار می‌دهند. این هشدارها به آداب معاشرت و معاملات با آنان ناظر است و بر یهودیان بیش از پیروان دیگر ادیان، متمرکزند.^۱ هنگامی که حدیثی ویژگی مثبت یا دست‌کم خنثایی به یهودیان (یا شاید هم‌زمان یهودیان و مسیحیان)، نسبت می‌دهد، بیش‌تر تعبیر «بنی‌اسرائیل» را به کار می‌برد؛ مانند حدیث معروف «تحدثوا عن بنی اسرائیل و لا حرج فإنکم لاتحدثون بشیء الا و قد کان فیهم اعجب»؛ درباره بنی‌اسرائیل سخن بگویید و مشکلی نیست؛ زیرا شما هیچ مطلبی درباره آنان نقل نمی‌کنید؛ مگر اینکه شگفت‌انگیزتر از آن میان آنان وجود دارد» (احمد بن حنبل؛ ۱۴۱۶: ۳۸۶).

با توجه به دلیل دلالت ضمنی، کلمه یهود با بنی‌اسرائیل متضاد است؛ یعنی بنی‌اسرائیل به کاربرد

۱. برای نمونه، رک: بخاری، الصحيح، باب الاستئذان، باب ۲۲.



مؤدبانه عربی برای ارجاع به یهودیان بدل گشت. «الاسرائیلی» نسبت رایجی بود که آن را درباره یهودیان متمایزی به کار می‌بردند؛ مانند موسی بن میمون الاسرائیلی الاندلسی قرطبی (۵۳۰-۶۰۱ ق/۱۱۳۵-۱۲۰۴ م)، عالم و فیلسوف و طبیب یهودی که در فقه و شرایع یهود چیره‌دست بود. همچنین این عنوان به‌ویژه در ادبیات مذهبی درباره یهودیانی به کار می‌رفت که به اسلام می‌گراییدند و هیچ کاربرد منسجمی نداشت.

همه مورخان و جغرافی‌دانان عرب سده‌های میانه میلادی، به همین شکل به یهودیان اشاره می‌کردند و این اشارت، متضمن دلالت ضمنی منفی یا مثبتی نبود. برای نمونه، ابن خردادبه، تاجران یهودی دوران سده‌های میانه را «تجار الیهود الرجانیه» خوانده و مسعودی از یهودیان عراق با عنوان «بنی اسرائیل» و «یهود» یاد کرده است. کلمه یهود به شکل بی‌تغییر و یک‌نواخت زمانی به کار می‌رفت که نویسندگان می‌خواستند یهودیان را از مسیحیان جدا کنند؛ چنان‌که المقدسی هنگام توصیف جمعیت اورشلیم چنین کرده است (Stillman, 2002: 239).

این گفتمان با تشکیک در منابع اسلامی و بی‌اعتنایی به آنها، درباره قدمت آنها نیز شبهه‌ای مطرح می‌کند: «به سختی می‌توان منبعی از منابع سیره را یافت که قدمتش به قرن اول اسلام باز گردد» (Stillman, 2002: 239). مستشرقان غربی که به دلیل قدمت نداشتن منابع به آنها اعتماد نمی‌کنند، درباره قرآن نیز می‌گویند:

قرآن در زمان پیامبر جمع‌آوری نشد، زیرا هیچ‌گونه دست خطی از ناحیه پیامبر (ص) و همچنین کاتبان وحی دیده نمی‌شود. طبیعی است که در وهله اول به سنت دست‌نویس قرآن توجه کنیم، اما تا این‌جا سودمند بودن آن چندان به اثبات نرسیده است. و هیچ‌گونه دست‌خطی از محمد و کاتبان وی وجود ندارد. کهن‌ترین نسخ خطی کامل قرآن احتمالاً به قرن سوم / نهم بازمی‌گردد. به ندرت، نسخ خطی قدیم‌تری از بخش‌هایی از قرآن وجود دارد (Kohlberg and Amir-Moezzi, 2009: 506-510). با فرض اینکه نسخه خطی معتمدی از دوره نخست تاریخ اسلام در دست نیست، محتمل است که قرآن همانند دیگر کتب به تحریف دچار شده باشد؛ خطری که خود قرآن بارها به آن اشاره کرده است. اتان کلبِرگ در این باره می‌گوید:

قرآن از مفهوم تحریف متون مقدس پیشین خبر می‌دهد (برای نمونه، بقره: ۵۹، ۷۵، ۱۵۹، ۱۷۴؛ نساء: ۴۶؛ انعام: ۹۱ و آیات دیگری که اغلب به این معنا تفسیر می‌شوند). مسئله تحریف وحی که محمد پیامبر دریافت می‌کرده به طور قطع ارتباط نزدیکی با تاریخ قرآن و روزگاری که در آن به نگارش درآمده دارد. روشن است که هر چه قدر ویرایش نهایی متن به زمان وحی نزدیک‌تر باشد، خطر تغییر در آن کمتر است. به این دلیل اصلی است که رایج‌ترین سنن «راست‌کیش» اعتقاد دارند تصمیم برای جمع‌آوری قرآن در زمان ابوبکر؛ یعنی درست بعد از رحلت پیامبر (۱۱ ق/۶۳۲ م) اتخاذ شد و اینکه نسخه رسمی که کاملاً با وحی‌ای که محمد دریافت کرده بود مطابقت داشت. در زمان خلیفه عثمان، تنها سی سال بعد از رحلت پیامبر (ص) تهیه شد. بر خلاف این اطلاعات موجود، مسئله حائز اهمیت این



است که بررسی کنیم در چه زمان و تحت چه شرایطی قرآن به شکلی که به طور سنتی به مصحف عثمانی مشهور شده به نگارش درآمده است. پس نباید احتمال تحریف منابع را که یکی از آنها قرآن است، از نظر دور داشت؛ منبعی که [به گفته نویسنده مقاله محمد در *دایرةالمعارف/اسلام*] از معتبرترین منابع است (Buhl and et al, 1993:362)

اعتماد به دیگر منابع از دید نویسندگان مقالات *دایرةالمعارف* بسیار مشکل است؛ «زیرا نسخه‌های مختلف منابع و یک متن اغلب در گزارشات و محتوی با هم اختلاف دارند» (Raven, 1997: 660). دخل و تصرف در منابع به اندازه‌ای است که «هر مقدار به نسخه‌های جدیدتر منابع مراجعه می‌شود، منابع بیش‌تر ادعا می‌کنند که درباره زمان پیامبر می‌دانند» (Raven, 1997: 661). با توجه به اینکه منابع اسلامی معتمد نیستند، ناگزیر باید از منابع دیگر موجود در آن روزگار کمک گرفت؛ منابعی که می‌توانند مدعیات منابع اسلامی را تصدیق یا تکذیب کنند و از این طریق می‌توان آنها ارزیابی کرد. باری، منابع اسلامی با منابع غیر اسلامی چه نسبتی دارند؟ آیا یک‌دیگر را تأیید یا تکذیب می‌کنند؟ یکی از محوری‌ترین مقالات *دایرةالمعارف* به صراحت می‌گوید که منابع سیره معتمد نیستند. بنابراین، چگونه ممکن است *دایرةالمعارف* بتواند پیامبر (ص) واقعی را بشناساند؟ منابع غیراسلامی مانند منابع یهودیان اغلب با منابع اسلامی اختلاف دارند و مطالب و گزارش‌های اسلامی را تأیید نمی‌کنند. اکثر بخش‌های گزارش‌های منابع سیره براساس یکی از ژانرهای که در بالا ذکر شده طبقه‌بندی می‌شوند (Raven, 1997: 660).

اتهام به پیامبر گرامی اسلام

از دید *دایرةالمعارف/اسلام* پیامبر اکرم (ص) با تغییر قبله، پیمانش را با یهودیان شکست؛ پیمانی که بر پایه آن یهودیان از امنیت و آرامش لازم برای زندگی در مدینه برخوردار بودند. این کار مقدمه تأسیس دین تازه‌ای بود که در اقتباس از ادیان و فرهنگ معاصر توان فراوانی داشت و آموزه‌های بسیاری را از یهودیت دریافت؛ چنان‌که معارف عهد عتیق در تدوین قرآن و آموزه‌های سنت مؤثر بودند و دینی را متناسب با فرهنگ ملی مبتنی بر قداست مکه و اجرای اعمال و آداب و رسوم مطرح در این زمینه، ساخت. این دین، دین محمد (ص) بود و نخستین کار او روی برگرداندن از قبله یهودیان بود. جداسازی قبله از دید *دایرةالمعارف/اسلام* اعلام استقلال دین اسلام و ناوابستگی به دیگر ادیان است: معلوم نیست که آیا اقتباس آیین یهود در خواندن نمازهای روزانه به سمت اورشلیم (آیینی که پس از اولین سال اقامت پیامبر در مدینه رها گردید)، بخشی از اقدام پیامبر برای جذب یهودیان مدینه به اسلام بوده یا خیر؟ زیرا گزارش‌های مربوط به قبله مسلمین در مکه پیش از هجرت گوناگون است. (Buhl and et al, 1993:369)

یهودیان این اتهام را هم درباره پیامبر اسلام مطرح می‌کنند که او با استناد به تأثیر یهودیان در





تحریف تورات، از آنان پشتیبانی نکرد. البته از دید مستشرقان، اسلام دین اصیلی نبود و خود پیامبر نیز اندیشه تأسیس دین جدیدی در سر نداشت. حافا لازروس یافا معتقد است تهمت تحریف درباره یهودیان هنگامی نمایان تر شد که یهودیان پیامبری محمد را تأیید نکردند، بلکه او را ریشخند کردند. از این رو، یهودیان به تحریف متهم شدند و از سوی دیگر، محمد دین جدیدی را همانند یهودیت بنیاد گذارد. این دین از دید مستشرقان شعبه‌ای از یهودیت بود و پس از پاسخ نگفتن یهودیان به دعوت پیامبر، مطرح شد.

به گفته نویسنده مقاله «محمد»، پیامبر هیچ گاه در اندیشه بنا نهادن دین جدیدی نبود، بلکه تنها به فکر احیای دین حقیقی‌ای بود که پیامبران از همان ابتدا اعلام کردند» (Buhl and et al, 1993:369). این دین پس از پیدایش آرام آرام شکل گرفت و متکلمان و مورخان دوره‌های بعدی و فیلسوفان و قصه‌سرایان و بسیاری از گروه‌های دیگر، هر روز چیزی به تصویر آن افزودند:

اکنون لازم است بین عقاید دینی و صورت‌بندی‌های کلامی دوره‌های بعد از یک سوی و نتایج حاصل از تحقیقات نوین جامعه‌شناختی و تاریخی از سوی دیگر، تمایزی قائل شویم. برای مثال، در باور سنتی مسلمانان، محمد «آخرین و بزرگ‌ترین پیامبر» (Buhl and et al, 1993:362) است. این ایده، به احتمال زیاد بر تفسیرهای دوره‌های بعد، از اصطلاح «خاتم النبیین» مبتنی است، که در آیه ۴۰ سوره احزاب (۳۳) به محمد اطلاق می‌شود (Buhl and et al, 1993:366).

دائرةالمعارف بر این نکته تأکید می‌کند که اسلام دین جدیدی نیست، بلکه آن را دنباله ادیان گذشته می‌خواند و با اصطلاح اسلام، یهودیت جدید عربی از آن یاد می‌کند:

وی نه یک بنیان‌گذار، بلکه مؤید و احیاگر دین کهن توحیدی به شمار می‌آید که ابراهیم آن را بنا نهاد. نباید تعجب کرد که مورخان، ظهور یک جامعه و سنت نوین دینی را که به دست پیامبر مردی با بینش و مهارت‌های فوق العاده بنا نهاده شده، در همان زمانی می‌دانند که قرآن این مفاهیم را اعلام می‌کرد؛ یعنی طی سال‌های نخست پس از هجرت؛ به خصوص به نظر می‌رسد که مخالفت یهودیان مدینه با محمد تأثیر مهمی بر شکل‌گیری اسلام داشته است؛ زیرا دقیقاً در همین زمان و ظاهراً در واکنش مستقیم به مخالفت یهودیان با وی بود که جامعه نوپای مسلمین از طریق اقتباس عناصر گوناگون آیین عبادی کهن اعراب، هویت ملی آشکاری یافت. این تغییر مهم در مسیر اسلام، در سال دوم هجری (ژوئیه ۶۲۳ تا ژوئن ۶۲۴) رخ داد و نشانه آن تغییر قبله از بیت المقدس به حرم کهن کعبه بود که بسیار مورد بحث قرار گرفته و قرآن تقریباً به طور مفصل به آن پرداخته است (Buhl and et al, 1993:381).

تأثیر گفتمان یهودی در روایت واکنش پیامبر به توطئه یهودیان

دائرةالمعارف/اسلام بر این نکته تأکید می‌کند که پیامبر اسلام پس از مواجهه با مقاومت یهودیان و این دریافت که آنان هرگز رسالت وی را تأیید نمی‌کنند، آنان را به مبارزه خواند و از آنان خواست تا کتاب





نامحرّف خود را به او نشان دهند تا اثبات شود وی در دعوت به رسالتش صادق است: محمد آنان را به مبارزه می‌طلبید و از ایشان می‌خواست تا کتاب مقدسشان را ارائه دهند. در مدینه متهم شدند که بخش‌هایی از کتاب مقدسشان را از وی مخفی نموده و حتی آیاتی را جعل و ادعا کرده‌اند که در کتابشان بوده است. او هم‌چنین معتقد شد که کتب مسیحیان پیام و تعلیم واقعی عیسی پیامبر را حفظ نکرده‌اند» (Buhl and et al, 1993:385).

حافا لازروس یافا در مدخل «تحریف» به این نکته می‌پردازد که پیامبر پس از مواجهه با انکار یهودیان، آنان را به تحریف کتاب متهم کرد و این اتهام را در قرآن نیز منعکس کرد: از نگاه قرآن، تورات و انجیل وحی‌های اصیل الهی‌اند که همانند قرآن از لوح محفوظ گرفته شده‌اند و رسولان راستین، آنها را به ترتیب برای یهودیان و مسیحیان آورده‌اند، اما آنها به شریعت خود وفادار نبودند و کتب مقدس خود را دستکاری و تحریف کردند (Lazarus-Yafeh, 2000: 112) قرآن صریحاً درباره زمان و نحوه این تحریف سخن نمی‌گوید (Lazarus-Yafeh, 2000:112).

منابع اسلامی هم از تحریف سخن گفته‌اند، اما با توجه به اینکه حافا لازروس یافا داده‌های منابع اسلامی به‌ویژه تفاسیر آنها را مخدوش و مجعول می‌داند، در دنباله بحث می‌نویسد:

اما تفاسیر بعدی شرح‌های مختلفی ارائه کرده‌اند؛ برخی آنها را مربوط به عصر موسی می‌دانند. نویسندگان بعدی، پادشاهان یا کاهنان بنی‌اسرائیل؛ به‌ویژه عزیر، رونویس‌کننده و تورات یا حاکمان بیرانس و دیگران را متهم می‌کنند. این اتهام که یهودیان معاصر [حضرت] محمد مطالب کتاب مقدس نظیر مجازات (رجم) برای زنای محصنه، پیش‌گویی نبوت [حضرت] محمد در کتاب مقدس را پنهان (کتمان) کرده‌اند. اتهام جعل و تحریف، یک درون‌مایه جدلی شایع بوده است که در دوره پیش از اسلام، نویسندگان مشرک، سامری و مسیحی برای رد مخالفان خود و کتب مقدس از آن استفاده می‌کردند [و این کار تازه‌ای نبود] این امر در سوره‌های مدنی، یک موضوع محوری است که هدف کاربرد آن، ظاهراً توجیه اختلافات میان کتاب مقدس و قرآن و اثبات این نکته است که فی‌الواقع در کتاب مقدس «اصلی» آمدن پیامبر اسلام و ظهور اسلام پیش‌بینی شده است (Lazarus-Yafeh, 2000:112).

تحریف در سده‌های نخستین تاریخ اسلام معروف بود، اما موضوع محوری نبود. احادیث و تفاسیر نخستین، شکاف‌های آیات قرآن را پر کردند. حافا لازروس یافا معتقد است اتهام تحریف به یهودیان هنگامی فزونی گرفت که محمد وازنش یهودیان را دید. از این‌رو، یهودیان به تحریف متهم شدند و از سوی دیگر، دینی جدید همانند یهودیت پا گرفت.

تلاش برای حمایت از یهودیان

با توجه به محتوای مداخل محمد، یهود، بنی‌نضیر، بنی‌قریظه، بنی‌المصطلق، خیبر، فدک و مدینه، دایرة‌المعارف عمل‌کرد یهودیان را در برابر اسلام نادرست نمی‌شمرد، بلکه با نقل روی‌دادها می‌کوشد پیمان‌شکنی‌های آنان را بپوشاند و حتی پیامبر اسلام را فردی فرصت‌طلب و خشونت‌طلب بخواند. برای





نمونه، نویسنده مدخل «خیبر» به‌رغم اینکه تحرکات یهودیان را تأیید می‌کند، انگیزه اصلی پیامبر را در این حمله، فرصت‌طلبی سیاسی می‌خواند:

محمد با انگیزه فرصت‌طلبی سیاسی به یهودیان حمله کرد. از سویی، پیمان منعقد شده با قریش در حدیبیه به او اطمینان می‌داد که در طول لشکرکشی آنان مورد هجوم واقع نخواهد شد [و] از سوی دیگر، اگر بر خیبر پیروز می‌شد با غنایم کافی می‌توانست هم‌راهانش را که به فتح مکه امید بسته بودند و ناامید و ناخرسند بودند را راضی و خشنود کند (Watt, 1997: 1138).

دائرةالمعارف برای فروکشاندن جایگاه پیامبر (ص) در بخش دیگری از مقاله محمد گفته است: وی برای ایجاد «امت واحده» می‌بایست یهودیان را از مدینه بیرون می‌کرد. بنابراین، نشانه‌هایی درباره تصمیم خود او درباره قتل عام بنی‌قریظه در دست است (Buhl and et al, 1993: 362). البته دائرةالمعارف این ماجرا را «قطعه عطف» تحولات سیاسی و اجتماعی جزیره العرب می‌خواند:

شکست مکیان در محاصره مدینه و نابودی این آخرین قبیله بزرگ یهودی، به یکی از نقاط عطف مهم در زندگی پیامبر و ظهور جامعه مسلمین تبدیل شد. از حدود شش ماه پس از ورود به مدینه که او اولین گروه مهاجم را به فرمان‌دهی عمویش حمزه اعزام کرد تا هنگام شکست مکیان در محاصره مدینه، پیامبر همواره گروه‌های مهاجمی را برای حمله به کاروان‌های مکی گسیل می‌داشت این روش، پس از جنگ خندق و نابودی بنی‌قریظه، متوقف شد (حدوداً یک سال پیش از آنکه پیامبر درباره یک آتش‌بس ده ساله، با مکیان به توافق برسد) و توجه اصلی پیامبر به سمت شمال معطوف گردید (Buhl and et al, 1993: 362).

یکی از چند دلیل حمله پیامبر به یهودیان، نقض عهد و خیانت آنان بود، اما دائرةالمعارف دلیل و مدرک قاطع را درباره این پیمان انکار می‌کند و منابعی گزارش‌گر این عهد را ضعیف و نامعتمد می‌خواند:

گزارش شده که در زمان هجرت، کعب بن‌اسد که به نفع قریظه فعالیت می‌کرد، با محمد عهدی می‌بندد و پس از آن در زمان محاصره مدینه (خندق) از سوی حی بن‌اخطب تحریک شد تا این عهد را بشکند و عهدنامه نیز از سوی اخطب پاره شد (ابن‌هشام، ۱۹۵۵: ۳۵۲: ۶۷۲). این گزارش می‌تواند تردیدآمیز باشد. ابن‌اسحاق منابعش را ذکر نمی‌کند. واقدی هم برای نقل این واقعه دو منبع دارد: یکی نوه کعب بن‌ملک از سلیمه که قبیله‌ای دشمن با یهودیان هستند و دیگری محمد بن‌کعب است؛ نوه پسری قریظه که وقتی آنان به اسلام تسلیم شدند به عنوان یک برده فروخته شد و بعدها مسلمان شد. هر دوی این منابع از جهت تعصبی که ممکن است در قبال قریظه داشته باشند، مشکوکند و به همین خاطر محتمل است که اصلاً هیچ عهد و پیمانی بین محمد و قریظه در کار نبوده باشد. البته تقریباً قطعی است که محمد یک توافق کلی و عمومی با یهودیان کرده بود که آنها از دشمن او حمایت نکنند (الواقدی، ۱۹۸۹: ۱۷۶) و احتمالاً چیزی شبیه به این و به طور ضمنی در اتحادش با اعراب مدینه نیز وجود داشت؛ چرا که قبایل یهودی با یکی یا سایر قبایل عرب متحد شده بودند. قانون مدینه آن



گونه که ابن هشام روایت می‌کند (ابن هشام، ۱۹۵۵: ۳۴۱)، قریظه یا النضیر یا قینقاع را به اسم ذکر نمی‌کند. تاریخ شکل کنونی این قانون نیز به زمان اعدام مردان قریظه برمی‌گردد و از این گروه‌های یهودی احتمالاً در یک نسخه قدیمی‌تر از این قانون اسم برده شده است (Watt, 1997: 1138). پرسش درباره عهد بین محمد و یهودیان، قضاوت اخلاقی درباره رفتار محمد با قریظه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در طول محاصره مدینه (۵ ذی‌قعدة/آوریل ۶۲۷) محمد از بابت رفتار آنها نگران شد و گروهی از مسلمانان را فرستاد تا با آنها صحبت کنند. نتیجه نگران‌کننده بود. با اینکه به نظر نمی‌رسد قریظه هیچ رفتار خصمانه آشکاری از خود بروز داده باشد، اما احتمالاً وارد مذاکره با دشمن شده بوده است. بر این اساس، به محض اینکه محاصره مدینه تمام شد، محمد به قریظه حمله کرد و آنها را در قلعه‌هایشان به مدت ۲۵ شب محاصره کرد. پس از مذاکره آنها قبول کردند که بدون پیش‌شرط تسلیم شوند. سعد بن موده، رئیس قبیله عبدالاشال که با قریظه متحد بود، برای قضاوت بین آنها آمد. او حکم داد که تمام مردان که بین ششصد تا نهصد نفر بودند، کشته شوند و زنان و کودکان به عنوان برده فروخته شوند. این حکم انجام شد. سه مرد جوان از قبیله هذل که با قریظه در دژ بودند، گریختند و پیش از تسلیم شدن اسلام آوردند. یک یا دو نفر دیگر هم فرار کردند. به عنوان بخشی از غنائم، محمد زنی به نام ریحانه را دریافت کرد و با او ازدواج موقت (صیغه) کرد؛ هر چند گفته می‌شود که او مسلمان شده است. محمد بن کعب قریظه (که در بالا ذکر شد) دانش‌مند و محقق شد (Watt, 1997: 1138).

دایرةالمعارف در ماجرای بنی‌قریظه بدون رعایت امانت و با سوگیری و بدون توجه به خیانت یهودیان، به گزارش جنگ با بنی‌قریظه می‌پردازد. این شیوه در سراسر مدخل «قریظه» دیده می‌شود. کتاب هم‌چنین در گزارش درباره غزوات پیامبر در برابر یهودیان هرگز رفتار آنان را تخطئه نمی‌کند، بلکه به شگردهای گوناگون می‌کوشد آنان را مظلوم بنماید؛ یعنی کسانی که بر اثر سوء فهم‌های پیش آمده قربانی توطئه‌های دشمنان شدند. *دایرةالمعارف* با نادیده انگاشتن سندهای متواتر در منابع اسلامی، آنها را تصورات و خیال‌پردازی‌های مسلمانان می‌خواند و نمی‌پذیرد، اما در فروکشاندن جایگاه پیامبر از کوچک‌ترین شاهد نمی‌گذرد و این رفتار دوگانه، نشان‌دهنده تأثیرپذیری گفتمانی این اثر است.

نتیجه

مقالات *دایرةالمعارف/اسلام* با حمایت از یهودیت، چهره‌ای مخدوش، فرصت‌طلب و محرف از پیامبر اسلام ارائه می‌کند. این شکل از توصیف و تعریف اسلام، به حفظ سیطره آموزه‌های یهودی بر مطالعات اسلامی معطوف است. بنابراین، خواننده *دایرةالمعارف* متقاعد می‌شود که آموزه‌های تورات و انجیل از آموزه‌های منابع اسلامی برترند؛ یعنی منابع اسلامی بدون اقتباس از ادیان دیگر، حرفی برای گفتن ندارند. گفتمان یهودی در این زمینه آثار و متون فراوانی تولید کرده و در چند سده اخیر با استفاده از روش‌شناسی و طرح دیدگاه‌هایی در حوزه علوم جدید، به اسلام تاخته است. این مقاله از طریق مطالعه این ادبیات جدید، تحولات راهبردی، روشی و محتوایی را در این باره بررسی‌د. عناصر و محورهای اصلی



این گفتمان سوگیرانه، چنینند:

۱. اسلام آموزه‌هایش را از دیگر ادیان به‌ویژه یهودیت اقتباس کرده است. شرق‌شناسی یهودی در اثبات این دعوی می‌کوشد که اسلام اصالتی ندارد و محتوای اسلام وام‌دار مذاهب و فرهنگ‌های جوامع دیگر است. پیروان این نوع شرق‌شناسی با پژوهش در متون اصلی و بنیادین اسلام (قرآن و احادیث پیامبر) شبهه اخذ قرآن را از انجیل و به‌ویژه تورات و ملهم بودن احادیث پیامبر را از آموزه‌های حکیمان یونان و روم باستان مطرح می‌کنند. احادیث نبوی بر پایه این دیدگاه، مجعولاتی برگرفته از آموزه‌های یونانی و رومی‌اند که کتاب‌های مسلمانان آنها را گزارش می‌کنند؛
۲. پایه استدلال مستشرقان، پس از نفی اعتبار منابع، اثبات شبهه اقتباس است؛ زیرا پس از شبهه اقتباس، دیگر شبهات پذیرفتنی می‌نمایند. هدف از طرح شبهه اقتباس، اثبات اصل یهودی اسلام است. خاورشناسان یهودی و برخی از خاورشناسان غربی، مدعی اصالت یهودی اسلام و تأثیرگذاری کلی یهودیت در معارف و مناسک مسلمانانند تا از شأن اسلام و مسلمانان بکاهند و اسلام را فرقه‌ای منشعب از یهودیت یا دینی مستقل از یهودیت، اما برگرفته از آن بشناسانند؛
۳. گفتمان یهودی بیش‌تر به مباحث و احکام شریعتی اسلام می‌پردازد نه اخلاقیات و عرفان اسلامی. روی کرد گفتمان یهودی گزینشی است؛ یعنی به همه بخش‌های اسلام اعتنا نمی‌کند و به تعبیر دیگر، این گفتمان به بخش‌هایی می‌گراید که با شیوه تفسیر خاص آن سازگارند. یهودیت نیز دینی شریعت‌محور است و بنابراین، گفتمان یهودی اسلام را با محوریت شریعت و احکام عملی آن برمی‌رسد و اخلاق و عرفانش را فرومی‌گذارد؛
۴. گفتمان یهودی در پی اعتبارزدایی از منابع اسلامی است و اسلام را دین اصیلی نمی‌شمرد، بلکه بنیاد آن را اقتباس از آموزه‌های دیگر ادیان به‌ویژه یهودیت می‌داند و در این باره به مطالعات تاریخی ناظر به بی‌اعتباری منابع اسلامی استناد می‌کند؛ یعنی تنها با مراجعه به این منابع نمی‌توان حقیقت را درباره آنها کشف کرد، بلکه باید متون اصلی (شریعت یهود) را کاوید تا سرچشمه محتوای آنها را یافت.

References

مآخذ

Abbasi,M.; Aqaei,A.(2003). Shiite Imams in the Encyclopedia of Islam, *ketab e mah e Din*[Book of the Month of Religion], 74&75, 46-71 [In Persian]

عباسی، مهرداد؛ آقایی، علی(۱۳۸۲). امامان شیعه در *دایرةالمعارف اسلام*، کتاب ماه دین، ۷۴ و ۷۵،

۷۱-۴۶

Ansari,n.(1989). *Encyclopedia Britannica: A take on the Warren Preece experience*,Keyhan e farhangi, 6, 32-33[In Persian]





انصاری، نوش آفرین (۱۳۶۸). *دایرةالمعارف بریتانیکا: برداشتی از تجربه وارنپریس، کیهان فرهنگی*، ۶۷، ۳۳-۳۲.

Asaadi, M (2002). *Islamic studies in English language countries in west*, Tehran: SAMT [In Persian]

اسعدی، مرتضی (۱۳۸۱). *مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان از آغاز تا شورای دوم واتیکان (۱۹۶۵ م.)*، تهران: سمت

Bosworth, C.E., (1997). *Khaybar*, in *Encyclopaedia of Islam*, 2nd ed, Consulted online on 08 July 2021 http://dx.doi.org/10.1163/1573-3912_islam_SIM_4253

Buhl, F. and et al (1993). *Muhammad* in *Encyclopaedia of Islam*, 2nd ed, Consulted online on 02 July 2021 <http://dx.doi.org/10.1163/1573-3912_islam_COM_0780

Daneshneme-ye Iran and Islam [Encyclopedia of Iran and Islam] (1975). Editor Ehsan Yar shatter, Tehran: Book translation and publishing company [In Persian]

دانشنامه ایران و اسلام (۱۳۵۴). زیر نظر احسان یارشاطر، ج. ۱. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب

Daneshname-ye jahan-e Eslam [Encyclopedia of the world of Islam] (2013). Under Supervision of Gholam Ali Haddad-Adel, V.18, Tehran: Bunyad-i Da'irat al-Ma'arif-i Islami [Islamic Encyclopedia Foundation] [In Persian]

دانشنامه جهان اسلام (۱۳۹۲). زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج. ۱۸، تهران: بنیاد دایرةالمعارف/اسلام

Dant, T (1991). *Knowledge, Ideology and Discourse: A Sociological Perspective*, London: Routledge

حسین زاده، سید احمد (۱۳۹۳). مطالعه تطبیقی مراحل دانشنامه نگاری در دانشنامه جهان اسلام و دایرةالمعارف اسلام (چاپ لیدن)، کتاب ماه کلیات، ۷۹، ۷۵۱-۷۷۰

Edris, m.J. (1995). *Al Istishraq al Israeili fi al Masadir al arabyah*, Cairo: [Nashr va tozi al arabi [Arabic publishing and distribution]

ادریس، محمد جلاء (۱۹۹۵ م.). *الاستشراق الاسرائیلی فی المصادیر العربیه*، قاهره: نشر و توزیع العربی
Eliash, J. (1969). *The Si'ite Qur'an: a reconsideration of Goldziher's interpretation*, *Arabica: Journal of Arabic and Islamic Studies*, 16(1), 15-24. DOI: <https://doi.org/10.1163/157005869X00162>





Encyclopaedia of the Qurān (2001-2006), Leiden:brill

Evaz, I. (1998). *Daerat al maarif al Islamiyah ah istishraqyah: Adhalil va Abatil* [The Islamic orientalist Encyclopedia: Falsehoods and Falsehoods], Cairo: Maktabat al balad al amin

عوض، ابراهیم (۱۹۹۸ م). *دائرة المعارف الاسلامیة الاستشرقیة : اذالیل و اباطیل*، قاهره: مکتبه البلد الامین

Goldziher, I. (1978). *Lessons about Islam*, translated by Ali Naqi Monzavi, Tehran: Kamangir [In Persian]

گلدتسیهر، ایگناتس (۱۳۵۷). *درس‌هایی درباره اسلام*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: کمانگیر

Jorgensen, M.; Phillips, L. (2010). *Discourse analysis as theory and method*, Translated by Hadi Jalili, Tehran: nashre Ney [In Persian]

یورگسن، ماریانه ؛ فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی

Ibn Hanbal, AHmad ibn Muhammad (1995) *Al Musnad*, V.3, Beirut: Muassasat Al Risalat

ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶ ق.). *مسند*، ج. ۳. بیروت: موسسه الرساله

Ibn Hisham, Abd al-Malik bin Hisham. (1955). *Al-Sirah Al-Nabawiyah* [The Life of the Prophet], Cairo: Maktabat Muhammad Ali sabih va awladehu

ابن هشام، عبدالملک بن هشام (۱۹۵۵ م.). *السيره النبویه*، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، القاهره: مکتبه محمد علی صبیح و اولاده

Janahmadi, F. (2009). *The image of the Prophet and Hazrat Zahra in the Encyclopedia of Islam (translation and critique)*, Qom: Shi'ite Studies Institute [In Persian]

جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۸). *تصویر پیامبر (ص) و حضرت زهرا علیها السلام در دائرة المعارف اسلام* (ترجمه و نقد)، قم: شیعه شناسی

Janahmadi, F. and et al (2013). *Analyzing the Judaization in Islamic History (Emphasis on Islam Encyclopedia). The knowledge studies in the slamic*





University , 17(55), 353-390.[In Persian]

جان احمدی، فاطمه و دیگران (۱۳۹۲). توصیف و تبیین یهودی‌سازی تاریخ اسلام، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۱۷(۲)، ۳۵۳-۳۹۰

Khalifa Hassan, M.(2003). Jewish school in Orientalism, Al-Risala Al-Mashriq, 12(1-4),1-4

خلیفه حسن، محمد (۲۰۰۳م.). المدرسه اليهوديه في الاستشراق، مجله الرسالة المشرق، ۱۲ (۱-۴)، ۱-۴

Khoshdel, M.(2003). Encyclopedia of Islam, *ketab e mah e Kolyat*[Monthly Book of Months Generalities],73 & 74,126-130 [In Persian]

خوشدل، میترا (۱۳۸۲). دائره المعارف اسلام، کتاب ماه کلیات، ۷۴، ۷۳، ۱۲۶-۱۳۰

Kohlberg, E. and Amir-Moezzi M. A.(2009). *The Kitāb al-qira'āt of Aḥmad b. Muḥammad al-Sayyārī.*, Leiden: Brill

Kramer, M. (1999).*The Jewish Discovery of Islam: Studies in Honor of Bernard Lewis*, edited. Martin Kramer, Tel Aviv: The Moshe Dayan Center for Middle Eastern and African Studies.

Lazarus Yafeh,H.(1981). *Judaism and Islam: Some Aspects of Mutual Cultural Influences* in Some Religious Aspects of Islam, Leiden:Brill, 72-89. DOI:

https://doi.org/10.1163/9789004378605_007

Lazarus-Yafeh, H.(2000) *Tarīf in Encyclopaedia of Islam*, 2nd ed, Consulted online on 04 July 2021 http://dx.doi.org/10.1163/1573-3912_islam_SIM_7317

Malinovich, N.(1999). Orientalism and the Construction of Jewish Identity in France, 1900-1932, *Jewish Culture and History*, 2(1), 1-25

Al-Mas'udi , *Ali ibn al-husayn*(n.d.)*At-Tanbih wa-l-'Ishraf* [Book of Admonition and Revision],researcher savi Abdullah ismaeil, v.2, Cairo :Dar al savi

مسعودی، علی بن حسین؛ (بی تا) التنبيه و الاشراف؛ محقق صاوی عبدالله اسماعیل، ج. ۲، قاهره: دار الصاوی

Meir-Glitzenstein, E. (2001). From Eastern Europe to the Middle East: The reversal in Zionist policy vis-à-vis the Jews of Islamic countries, *Journal of Israeli History: Politics, Society, Culture*, 20(1), 24-48





Welch, A.T., Paret, R. and Pearson, J.D.(1986). al-kurān in *Encyclopaedia of Islam*, 2nd ed, Consulted online on 02 July 2021 <http://dx.doi.org/10.1163/1573-3912_islam_COM_0543>.J

Mills,S.(2009).*Discourse*, Zanjan: Hezare ye Sevom[third millennium] [In Persian]

میلز، سارا (۱۳۸۸). *گفتمان*، ترجمه فتاح محمدی، چاپ ۲. زنجان: هزاره سوم

Qarashi,m.H.(1996). History of encyclopedia writing in the world, *Keyhan e Farhangi*, 127, 22-33[In Persian]

Quran

قرآن کریم

Raven, W.(1997). *Sīra* in *Encyclopaedia of Islam*, 2nd ed. Consulted online on 05 July 2021 http://dx.doi.org/10.1163/1573-3912_islam_COM_1089

Rubin,U.(1998). *The Life Of Muhammad*, New York:London: Routledge

Sahab,a.(1993). *Orientalists' culture (biographies and works of Iranologists and Islamic scholars*, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research[In Persian]

سحاب، ابوالقاسم (۱۳۷۲). *خاورشناسان: در شرح حال و خدمات دانشمندان ایران شناس و مستشرقین تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی*

Stillman, N.A.(2002). Yahūd in *Encyclopaedia of Islam*, 2nd ed., Consulted online on 04 July 2021 <http://dx.doi.org/10.1163/1573-3912_islam_COM_1354>

Tabatabai,M.H.(1968).*Tafsir al-Mizan fi tafsir al Quran*,Translated by Muhammad bqir Musavi hamedani, v.4, Qom: Dar al Ilm[In Persian]

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج. ۴، قم: دارالعلم

Wansbrough, J. (2004).*Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation*, trans. by Andrew Rippin, New York: Prometheus Books

Al-Waqidi, M.(1989). *Al Muqazi*, Beirut: muassasat Al Aalami Lil Matbouat

واقدی، محمد بن عمر (۱۹۸۹م.) *المغازی*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات





- Watt, W. and et al (1991). *Makkain Encyclopaedia of Islam, 2ndEd*, Consulted online on 02 July 2021:http://dx.doi.org/10.1163/1573-3912_islam_COM_0638
- Watt, W. M.(1997). Kurayza in*Encyclopaedia of Islam*, 2nd ed. Consulted online on 02 July 2021 <http://dx.doi.org/10.1163/1573-3912_islam_SIM_4535>
- Welch, A.T., Paret, R. and Pearson, J.D.(1986). al-Ḳur'ān in *Encyclopaedia of Islam, 2nd ed*, Consulted online on 02 July 2021 <http://dx.doi.org/10.1163/1573-3912_islam_COM_0543>.J
- Wensinck, A.J. and Rippin, A. (2002). *Wahy*, in *Encyclopaedia of Islam, 2nd ed.*, Consulted online on 02 July 2021 <http://dx.doi.org/10.1163/1573-3912_islam_COM_1331>
- Yar Muhammadi, L. (2012). *An Introduction to Discourse*, Tehran: hermes[In Persian]

یار محمدی، لطف‌الله (۱۳۹۱). *درآمدی به گفت‌مان‌شناسی*، تهران: هرمس

